

دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۸
ویژه اول ماه مه روز جهانی کارگر
قیمت ۵ ریال

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



سازمان چریک های فدائی خلق ایران

جشن اول ماه مه به کارگران ایران خجسته باد

امسال کارگران میهن ما پس از سالها اول ماه مه را در سراسر ایران جشن می گیرند .
" سازمان ما " ضمن تبریک این روز بزرگ به کارگران ایران از تمامی کارگران و زحمتکشان و نیروهای مترقی و دمکراتیک می خواهد که برای همبستگی با " شورای هماهنگی برگزاری اول ماه مه و پشتیبانی از کارگران بیکار ، در مراسمی که روز اول ماه مه (سه شنبه ۱۱ اردیبهشت - ساعت ۹ صبح) در محل خانه کارگر (خیابان ابوریحان) برگزار می شود ، شرکت نمایند .
محل برگزاری :
خیابان انقلاب (شاهرزای سابق) خیابان ابوریحان ، خانه کارگر .



اول ماه مه روز همبستگی کارگران سراسر جهان

از سال ۱۸۸۶ میلادی که روز اول ماه مه بعنوان روز جهانی کارگر شناخته شد هشتاد و سه سال به زوال ۱۲۹۹ نیز که روز اول ماه مه برای نخستین بار در ایران جشن گرفته شد ، پنجاه و نه سال می گذرد . اما فشار و اختناق و ترس و در جامعه ما و بخصوص بر روی کارگران آنقدر زیاد بوده است که هنوز سده زیادی از کارگران ماحتی نمیدانند روز اول ماه مه چه روزی است ، چه تاریخچه ای دارد و هدف از برگزاری آن چیست ؟
اول ماه مه را " عید کارگران سراسر جهان " خوانده اند . ولی اگر ما در این عید کارگری فقط شادی و پایکوبی کنیم و برای بزرگداشت مقام کارگر دست به راهپیمایی بزنیم ، کافی نخواهد بود . اول ماه مه محصول مبارزه کارگران و خود سلاخی برای این مبارزه است و بدون درک رابطه آن با مبارزات کارگری ، معنایی نخواهد داشت .

اول ماه مه زمانی در آمریکا بعنوان روز کارگر شناخته شد که شرایط و حشمتناک کار که بیش از ۱۴ ساعت در روز بود و در مواردی به ۱۸ ساعت هم می رسید ، جان کارگران را به لب آورده بود . آنها دیگر نمیتوانستند این شرایط غیر انسانی و همچنین بد رفتاریها و جریمه ها را تحمل کنند ، بخصوص که بالاترین دستمزدی که به آنها داده می شد ، اگر در تمام طول سال حتی بدون اینکه بیمار شوند کار میکردند ، فقط نیمی از مخارج خانواده شان را تامین می کرد . به همین جهت لازم بود که زنها و بچه های کارگران هم با شرایط خیلی سخت تر و دستمزد پایینتری مشغول بکار شوند تا مخارج خانواده تامین شود .

در چنین شرایطی بود که کارگران آمریکا پس از شکست اعتصابات و اعتراضات پراکنده خود ، بتدریج متوجه شدند که تنها با اتحاد هر چه بیشتر و همبستگی کارگران است که میتوان به پیروزی رسید . از همین رو کارگران صنعتی آمریکا تصمیم گرفتند در روز اول ماه مه کار را متوقف کنند و برای رسیدن به خواست های خود دست به اعتصاب و تظاهرات بزنند . مهمترین خواست آنها کاهش ساعات کاری به ۸ ساعت در روز بود . به این ترتیب تنها در روز اول ماه مه نزدیک به ۴۰۰ هزار کارگر در سراسر آمریکا با شعار " هشت ساعت کار در روز " دست از کار کشیدند و به راهپیمایی پرداختند .

در شیکاگو پلیس به کارگران حمله کرده و تعدادی از کارگران کشته و زخمی شدند . صدها کارگر در مناطق و شهرهای مختلف دستگیر شدند و رهبران آنها را در دادگاه محاکمه کردند . یکی از رهبران کارگران به نام " پارتسز " که از جنگ پلیس گریخته بود ، برای اعلام همبستگی با رفقا ی همزمش که محاکمه می شدند و طلبانه وارد دادگاه شد و خود را معرفی کرد . شهادت کم نظیر این کارگر انقلابی در دفاع از آرمان طبقه اش در شرایطی که میدانست مجازات اعدام در انتظار اوست ، همواره الهام بخش کارگران مبارز سراسر جهان بوده است . او در آخرین دفاع خود در دادگاه گفت :
" عالیجنابان ، در موقع مخاطب قراردادن این دادگاه ، من به عنوان نماینده یک طبقه در مقابل نماینده طبقه ای دیگر صحبت می کنم . این دادگاه سرمایه داران بود که کارگران و پیشروان آنها را به محاکمه کشیدند و بود و حکم این دادگاه هم چیزی جز مرگ نمی توانست باشد . پارسنز و یارانش در حالیکه سرودهای انقلابی می خواندند به استقبال مرگ در راه آزادی طبقه کارگر رفتند .

تراژدی شیکاگو سبب شد که کارگران آمریکا و سراسر جهان که عمیقاً به خشم آمده بودند تصمیم بگیرند که هر ساله در روز اول ماه مه تظاهراتی بیکارچه و عظیم برای ادامه مبارزه کارگران قهرمان شیکاگو برپا کنند و ضمن تقویت اتحاد و همبستگی کارگران جهان ، هر چه بیشتر برای رسیدن به خواستهای خود مبارزه کنند . این مبارزات پیگیر سرانجام توانست روز بقیه در صفحه ۳

چگونه کارگران جهان چیت را در آستانه اول ماه مه به گلوله بستند

و خروشان به خیابان ریخت . کارگران کارخانه های دیگر هم که خواستهای خود را در فریادها و مشت های گره کرده کارگران جهان چیت می دیدند به اجتماع آنها پیوستند .
صفوف کارگران هر لحظه متشکل تر شدند و در میان حیرت و نگرانی رهگذران راه خود را به سوی جاده کرج باز کرد .
بهرت است شروع و ادامه این واقعه را از زبان یکی از کارگران چهار چیت که در این روز در میان سایر رفقای کارگر خود بوده و در جریان تیراندازی زاندارم ها قسمتی از پایش را از دست داده نقل کنیم :
" وقتی ماهه خیابان آمدم تعدادمان از ۱۵۰ نفر هم بیشتر بود . ما می خواستیم پای پیاده به تهران بیاییم و جلو وزارت کار اجتماع کنیم . البته برای این تصمیم هیچ برنامه ریزی قبلی نشده بود و رهبری مشخص نداشت . علت اعتراض ما پائین بودن حقوق و بی توجهی فاتح (کارفرما) به خواستهای ما بود . به عنوان مثال من در آن موقع با اینکه یازده سال سابقه کار داشتم و متاهل بودم ، فقط روزی ۷۵ ریال می گرفتم . یادم می آید وزارت کار در همان روزها حداقل حقوق را ۱۰۰ تومان تعیین کرده بود اما " فاتح " حاضر نبود حقوق ما را زیاد کند . ماحتی حاضر بودیم روزی ۵ ریال به حقوقمان اضافه شود و به همین منظور هم بیست و مهندس خلیلی " رفتیم اما او ما را تهدید به اخراج کرد . ناراضی می ما بقیه در صفحه ۳

هشتم اردیبهشت سال ۵۰ در تاریخ سین کارگری ایران جای ویژه ای دارد . در این روز ارتش مزدور رژیم سرمایه داری وابسته به دیگر چهاره ضد انسانی و ضد کارگری خود راه نمایش گذاشت و در راه حفظ منافع سرمایه داران ، خون گروهی از کارگران و زحمتکشان را به زمین ریخت . سرکوب خونین کارگران مبارز " جهان چیت " نشان داد که رژیم گذشته حتی حاضر نبود تظاهرات مسالمت آمیز کارگران را تحمل کند . در این روز کارگران مایکبار دیگر با این واقعت تاریخی آشنا شدند که چگونه سرمایه داری از همه نیرو و امکانات خود علیه آنها استفاده می کند .

در روز هشتم اردیبهشت سال ۵۰ کارگران جهان چیت در ادامه مبارزات اعتراض آمیز خود برای بدست آوردن حداقل دستمزد دست به راهپیمایی زدند . این حرکت در شرایطی انجام گرفت که رژیم هرنسادی حق طلبانه ای را با گلوله پاسخ می گفت .
کارگران جهان چیت که از همه طرف تحت فشار بودند و " فاتح " کارفرمایشان حتی حاضر به اجرای مقررات فرمایشی وزارت کار هم نبود بی توجه به اخطارها و تهدیدهای عاملان کارفرما و رژیم ، به این راهپیمایی مسالمت آمیز مبادرت کردند .
ساعت ۲/۵ بعد از ظهر هشتم اردیبهشت ، دستهای بر توان کارگران ، درهای آهنی کارخانه جهان چیت را بازگشود و سیل جمعیت فشرده

یادی از شهدای کارگر سازمان

اول ماه مه روز کارگران است و به راه به شهادت رسیدند یادی کنیم . در این همین مناسبت ، مناسب دانستیم از کارگرانی که بخاطر بهروزی طبقه کارگر و زحمتکشان آگاهانه مبارزه کردند و در این خلق می پردازیم .

فدائیان شهید جلیل انفرادی و اسکندر صادقی نژاد

رفیق جلیل انفرادی در یک فراهم کندولی این امر با وجود تلاش خانواده بسیار فقیر در سال ۱۳۲۲ متولد شد . دوران کودکیش باریج و محنت بسیار همراه بود . مادرش به تنهایی بسیار می بایست وسیله ادامه زندگی آنان را



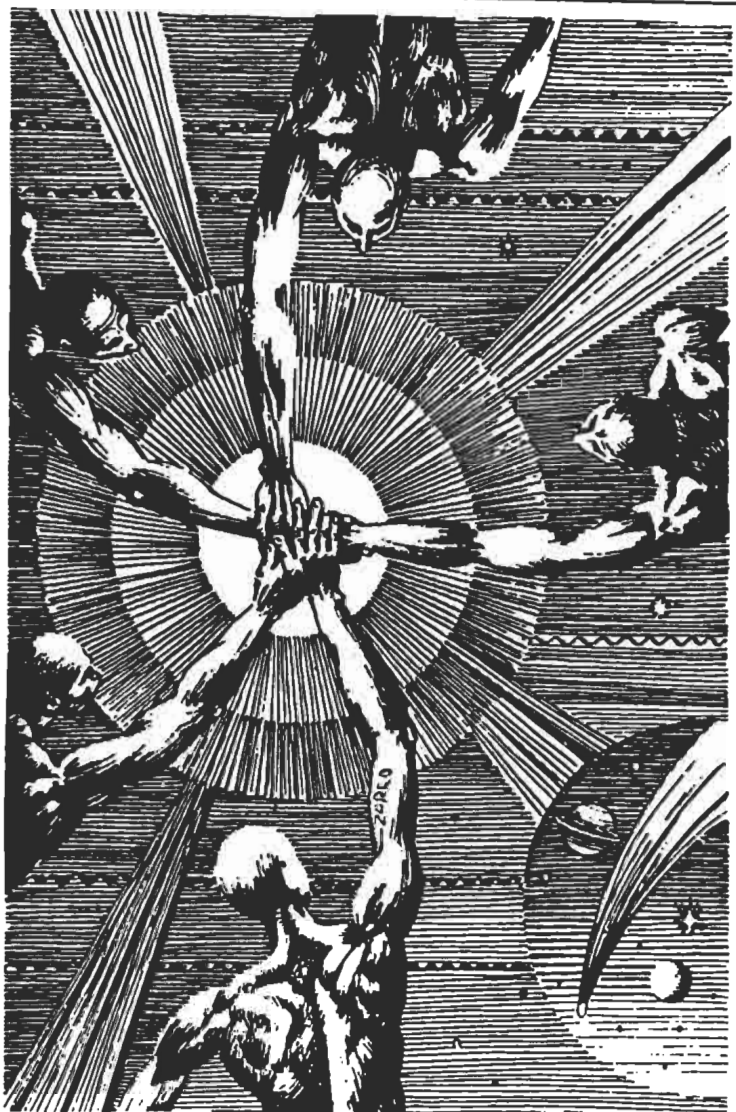
رفیق اسکندر صادقی نژاد

آنچه می خوانید :
اول ماه مه جلوه زندگای از تاریخ مبارزات کارگران جهان ۲
به پیش او از یاد ببریم همبستگی را ۲
گرامی باد خاطره شهدای کارگر ۳
این عید ماست . بیای خیزید ۴

اول ماه مه جلوه زنده‌ای از تاریخ مبارزات کارگران جهان

روزالوکزا میورگ از هیران
تنش کارگری آلمان و معاصر
الین بود.

مقاله ای از این زن مبارز
به نام " اول ماه مه " ترجمه
تلخیص کرده ایم که
بن خوانید.



به پیش! و از یاد نبریم همبستگی را

برتولت برشت
سرود همبستگی

خود را در بلا انداخته است ،
به پیش! و از یاد نبریم
در چیست قدرت ما ،
به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری
به پیش! و از یاد نبریم
همبستگی را .

اربابان ما ، دودستگی ما را
با خشنودی می نگرند
زیرا تا مادام جا را دودستگی هستیم
آنها ارباب ما هستند .
به پیش! و از یاد نبریم
در چیست قدرت ما
به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری
به پیش! و از یاد نبریم
همبستگی را

ای سیاه! سرخ! زرد! سفید!
بحث و نزاع دبیرین را به کناری گذارید
اگر با هم سخن گوئید ، خواهید دید
هیچ اختلافی ندارید .
به پیش! و از یاد نبریم
در چیست قدرت ما .
به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری
به پیش! و از یاد نبریم
همبستگی را .

اگر بخواهیم به بیروزی دست یابیم
هم به تو ، و هم به تو ، نیاز هست
هر که هم نوع خویش را در بلا اندازد

ارحس ماه مه با قدرتی ستر نظامی
می کشد و آن ، جهانی بودن مسائل
کارگری است .
مازما که مازره طغیانی در هر
مملکتی از حداقل میزان آزادی های
دمکراتیک برخوردار است و تا زمانی که
پارلمان می تواند کارمندی احسام
دهد ، جنبش کارگری هم در هر کشور
محدود می ماند و جهانی نمی شود . اما
همسکه مازره از حالت دمکراسی و
پارلمانی به سمت حالت فئودالیزم
عصر حتم می دهد و همسکه مازره
صرحانه مرز برخورد نوده ها
بدرهای حاکم بردن می شود ،
آنتکار می شود که طغی کارگر در سطح
جهانی مطرح و وحدانی باشد .
ندارکات هر ساله شوروی برای روز
اول ماه مه در همه ممالک به طغی
کارگر اس باد آوری رامی کشد که
مازره آزاد سخن او مازره ای گانه
و متحد در سراسر جهان است . اما امروز
در خط اول ارتش کارگران جهان
برونلاری روسه قرار دارد ، برونلاری
در سراسر اغلاب و مازرات اغلابی
اسن برونلاریا و نجرس و مشکلاش
برگرس مدرسه تاریخی برای
سردهای آینده است .

روز اول ماه مه امسال با نفس
تازه برونلاریا می گرد و همانند
همان دوران اول ساعرت و وحدت
بورژوازی و گانگی و شوق مازراتی
طغی کارگر استقبال می شود .
از همان ابتدا نظرات کارگری
برای ۸ ساعت کار روزانه و صلح جهانی
به نظرات برای اغلاب برونلاری
تبدیل می شود . شکوفایی غیر منتظره
ای به وجود می آید . زیرا روز اول ماه
مه زاده همان طوفان سهمگینی است که
جامعه بورژوازی را لرزه در آورده و ما
را بظرف سخت ترس مازرات و
همچنین بیروزی نهایی
می دهد .

(۱) - ماه آوریل سال ۱۸۹۳ در برلین
برای اولس ناردن تاریخ جنبش کارگری
س العلیی اصحاب ساسی سراسری
با خواست حواسانات عمومی
و نوع سوس که در آن ۲۵۰۰۰۰ کارگر
سرتک کردند . اس اصحاب بد عصر
و توسعه اساسی قانون اصحاب لیرت
احامد .
۲- بحاطرات اصحاب ، نظرات کارگران
اطرس با خواست اصحاب عمومی .
دولت اطرس مجبور به عقب سستی
شود .

عنوان روزی برای نظرات به رسمت
شناسد . اطرطی دیگر ضروری به مطر
می رسد که مرحله ای طولانی برای
ادامه مازره پارلمانی و توسعه آرام
سازماندهی ساسی و سدیکاسی در
جنبش کارگری سیری شود . سالگرد
روز اول ماه مه در آلمان تصویب
قوانینی به نفع " سوسالستها " را
همراه داشت . در سال ۱۸۹۳ کارگران
لزنیک متحد شدند و در سال ۱۸۹۶ کار
گران اطرس موفق شدند به پارلمان
آن کشور وارد شوند . سالهای ۹۰ در
همه جا دورانی جدید از فعالیت های
سندیکائی و رسد مداومی در ممالک
پارلمانی طغی کارگر با خود به ارمغان
آورد .

حس اول ماه مه داشت کم کم
تبدیل به یک جنبش عمومی و مالم
آمر می شود جامعه بورژوازی با خیال
آسوده به آن می نگریست . اما در
سالهای اخیر بحسرات قابل توجهی
در موفقت جنبش کارگری بوجود آمده
است . ناردنگر نادی سهمگین بر فراز
در شرق ، اغلاب کسراکسیر ، در آلمان
تشدید و دو فطی شدن مازره ساسی و
اقتصادی ، اخراج وسیع کارگران در صنایع
و متحد شدن تمام احزاب بورژوازی برای
سرون راندن کارگران از پارلمان گذر فرانسه
، بورش و حسانه دولت رادیکال
علمیه سندیکاهای و مازرات مطالباتی
کارگران که در سازمانهای قدرتمند
کارگری متشکل شده بودند . . .
سرمایه داری جهانی ، وحشانه و عصبی
دست به حمله می زند . و بدین سبب روز
اول ماه مه وارد مرحله جدیدی
می شود .

وظیفه برونلاریا امروزه مهیز
ساختن خوش به خود آگاهی و آگاهی
به وظایف خود و فعالیت برای دورانی
است که فرارسدن آن در سازود فطی
و محنوم است و در اس مان حس اول
ماه مه و سله ای برای نظرات معمم
بوده است . بطور مشخص در آلمان
می بایست عنوان جوانی به شکست
پارلمانی سوسال دمکراسی در ۲۵
زانبه جنبش اول ماه مه باشکوه و وسیع
هر چه ستر برگزار شود . نوده کارگران
باید به نوده محدود و بحاطری بورژوازی
بگوید : تمامی حواسانات ممالک ما
را رانویز سراسری سرون کنید ، لکس
اکنون ما خود در اصحاب و ساسا مازرا
مصمم بر ، هم سته ترور رنده سراسر
همه می بایند .
علاوه بر آنکه گفته شد نکته دیگری

روز اول ماه مه یک واقعه رسیده
ارخی از مازرات طغیانی کارگران سراسر
جهان است و به همین خاطر از ابتدا
اکنون منعکس کننده تمام مراحل و لحظات
س مازره است . در ظاهر همه همان
حظات ، همان سخنرانی ها ، مقالات
نواسه ها و گذراندن قطعنامه های مناسه
قرار می شود و از اس جنبش آسایش که
بندان فقط در سطح اس مسائل ساسی
ی ماند قادر بسد بحسرات روابط
روسی بنده هاراحس کشد و بصور
ی کشد که روز اول ماه مه بحاطر تکرار
برساله اس اهمیت خود را از دست داده
به نظراتی بی محتوی تبدیل شده
است . روز اول ماه مه در سرت حله نظرات
کواحتش ، سس معمر مازره کارگری را
جهان دارد و به زندگی هماهنگی
سبش کارگری ادامه می دهد و با محتوی
رفرار و فرودس سانگر اوضاع معمر مازره
لغاسب .

حس اول ماه مه در دوران تاریخی
بود به مرحله مهم ریاضت سر گذاسه
س سالهای اول ، اس جنبش اطرطی تمام
ارگران جهان با نظرات موم العاده
س شور و سعت خاصی برپا می شد ، طغی
ارگر به ابزارهای مازراتی خود ، سلاح
بندی افزوده بود و اولس آزمایش ها
! اس سلاح جدید مازره ، احساس و
بور مازراتی مملوینها انسان تحت ستم
استثمار را برانگیخته بود . اطرطی دیگر
بورژوازی تمام ممالک ساسی و نفرت هر
به سبشتر ، خود را با نظرات جدید
بازره طغیانی مواحه می دند . نظرات
ترناسیونال سوسالستی در ذهن
بورژوازی محدود اس انترناسیونال
دیمی رازنده می گرد . سرگزار حوراسه
همزمان جنبش کارگری سس العلیی برای
بورژوازی ، همچون سافوس مرکز سراسر مازری
بن نبود . به همین دلیل بورژوازی در
سالهای اول دیوانه وار دست ، به مدارک
سعی زد تا سواند با حطرات ساسی ار
بور اول ماه مه سوسله روز و اعمال مهیز
رحاعی سروسهای ارتش و سلسن مغالنه
بند . عنوان سنگام اس سروس مسلح
بورژوازی ، جمهوری آزاد فرانسه وارد
گود شد و سس ار آن اسناد سراسری روز
اول ماه مه در سال ۱۸۹۱ در سهر مومری
Fourmies فرانسه اولس سراسری
خود را داد و در سال ۱۸۹۲ یک سرت
حوس در لپسان روسه در سهر
گودز Lodz سحر سد . اما طغیانی
حاکم سوسالستی برودی آرمینار دست
رفته را با ساسد و روز اول ماه مه ، اعط
در

نصفه از صفحه ۴

مختصری از زندگی و...

ضربه های سختی وارد می کردم .
ساحام رفیق سهری مصمم به
بارگت ، ادامه سرت در کشور خود می کرد .

در سده دم شهر نور ۱۳۵۳ هنگامی که رفیق اسرح
سهری نارفقی دیگر از مرز آادان وارد ایران شد
مورد سوسطن سس قرار می گیرند و درگیری سا
سلس آغاز می شود . اس رفقا با وجود سماروی
گرامزدگی ساعتها در شهر آادان با سوردوران
زاندار مری و سهرانی به رد و خورد برداختند و

آادان را به لرزه در آورده بود با کشدن ساسن
نارنحکی به زندگی خود خاتمه داد و حماه شکفت
انگر رفیق با حماه سهرادرش (سروس و فرخو
فرهاد) که در سالهای مختلف به شهادت رسیدند
به هم آمخت .
" جاودانه باد خاطره تمام "
" شهیدای راه آزادی "



بخیه از صفحه اول

چگونه کارگران جهان جیت ...

هر روز بیشتر می شود با اینکه امکان ارتباط و گفتگو خیلی محدود بود اما توانستیم مقدمات یک اعتصاب عمومی را فراهم کنیم . ماه روز اعتصاب کردیم . در این مدت در محیط کار خانه جمع شدیم و خواستهای خودمان را مطرح کردیم . روز سوم اعتصاب که همان هشتم اردیبهشت بود " راشدی" نماینده اداره کار کرج به کارخانه آمد . ما گمان می کردیم که او برای اجرای مقررات جدید وزارت کار و حمایت از ما به کارخانه آمده اما چند لحظه بعد متوجه اشتباه خودمان شدیم . " راشدی " شروع به سخنرانی کرد و از کارگران خواست بلا فاصله به سرکار بازگردند و الا اخراج می شوند . کارگران شدیداً اعتراض کردند و " راشدی " مجبور شد کارخانه را ترک کند . این را هم بگویم که موقعیکه " راشدی " این نوکر جیره خوار " فاتح " توی اتومبیل خودش نشست و می خواست حرکت کند کارگران بطرف او هجوم بردند و " راشدی " را همراه با اتومبیل روی دست بلند کردند . کارگران مسافت زیادی اتومبیل را روی دست حمل کردند و خارج از کارخانه آن را به زمین انداختند . به این ترتیب نماینده وزارت کار که مطابق معمول حامی کارفرما بود اخراج شد . بعد از این ماجرا سروان منصوری فرمانده گروهان ژاندارمری کرج همراه با چند تا ژاندارم به کارخانه آمد و شروع به تهدید و فحاشی کرد .

کارگاه که در مقابل زورگویی فاتح و حمایت همه جانبه نماینده وزارت کار و ژاندارمری از او خونشان به جوش آمده بود تصمیم گرفتند برای اعتراض از کارخانه بیرون بیایند و به طرف تهران سرازیر شوند . همین سروان منصوری که دستش را بخون ما کارگران آغشته کرد (ومدتی بعد هم به خاطر این کار خوش خدمتی یک درجه گرفت) و همچنین سرهنگ خطیبی رئیس ساوا که کرج به کارگرا اخطار کردند که اگر از کارخانه بیرون بیایید هر چه دیدید از چشم خودتان دیده اید . کارگرا در مقابل این تهدید گفتند : " اگر جلو آتش و گلوله برویم بهتر از این است که این زندگی را تحمل کنیم " .

حدود ساعت ۲/۵ بعد از ظهر بود که ما از کارخانه خارج شدیم . در طول راه عده ای از کارگرهای کارخانجات دیگر و حتی مردم عادی هم به ما پیوستند . در حدود ساعت ۵ بعد از ظهر بود که در نزدیکی " کاروانسرا سنگی " با ژاندارم ها روبرو شدیم . آنها در سه ردیف به حال آماده باش ایستاده بودند . ما تصمیم گرفتیم به راهپیمائی ادامه بدهیم . وقتی به نزدیکی ژاندارم ها رسیدیم آنها به ما حمله کردند . بعضی از آنها با چوب و چماق به جان جمعیت افتادند و عده ای از کارگرا را مجروح کردند . کارگرا هم با سنگ به مقابله پرداختند . چند لحظه بعد صدای رگبار گلوله همه چیز را عوض کرد . وحشت زده بطرفی فرار کردیم . کناره پیاده روها ، وسط خیابان و حتی توی جوی ها انباشته از آدم بود . بعد از چند لحظه سکوت ، صدای ناله و فریاد از همه جا بلند شد . آن بی شرف هایی که دانسته و نادانسته به نوکری سرمایه دارها درآمده بودند دوباره شروع به شلیک کردند و این بار هم چند نفر دیگر راه خاک و خون کشیدند .

من که پام تیر خورده بود وسط خیابان افتاده بودم . یکی از رفقایم که تیر به سینه اش خورده بود و آخرین لحظات زندگی را می گذراند به روی من افتاده بود . هیچوقت صورت معصوم او و چشمهایش را که سعی می کرد باز نگاه دارد از یاد نمی برم . اوقفظ ۱۶ سال داشت و شاید اگر زودتر به بیمارستان می رسید زنده می ماند .

نزدیک غروب بود که تیر اندازی تمام شد و ژاندارم ها برای مدتی نگذاشتند کسی به ما نزدیک شود . رفقای کارگر می خواستند به کمک زخمی ها بیایند اما ژاندارم ها مانع می شدند و ما از خونریزی و درد به خود می پیچیدیم . درست پادم می آید که یکی از کارگرا بنام " عباس کمالی " صف ژاندارم ها را شکست و در حالیکه شکمش را با لایحه بود به فرمانده آنها گفت " من هفت بچه دارم ولی از مردن ترسی ندارم . بزیند ، بزیند ... " پس از مدتی ما راه بیمارستان شماره ۲ کرج بردیم . تعداد شهدا و زخمی ها هنوز هم معلوم نیست . از کارگرهای جهان جیت حداقل سه نفر کشته و شانزده نفر هم زخمی شدند . از کارگرهای کارخانجات دیگر و از مردم عادی و رهگذر هم تعدادی کشته و زخمی شدند که لااقل ده نفر شهید و بیش از پنجاه نفر زخمی شده بودند . مثلا یک شوفاژ اتوبوس ، یک شاگرد نانوا و یک خانم که از حمام آمده بود تیر خوردند و کشته شدند .

اسامی شهدا و مجروحان جهان جیت

از کارخانه جهان جیت : " علی کارگر " ۲۲ ساله ، " حسین نیکوکار " ۱۶ ساله و " مسیح الحشم فیروز " ۱۶ ساله شهید شدند . (پادشان گرامی باد)
علی محمد رضا حسینی ، اکبر دانشی ، فیض اله خردفلاح ، حسن دره شیری محمد سپهری ، محمدرضا فیض آبادی ، حسین فاتحی ، حسین رشیدی حبیب اله عطار وردی ، محمد اسلامی ، اجاقعلی پور اکبری ، علی محمد قادریان و محمد گودرزی ، هم عده ای از زخمی های این کارخانه بودند که بیشتر آنها نقص عضو پیدا کردند و هنوز هم از ناراحتی و عوارض آن رنج

گرامی باد خاطره شهدای کارگر

که با دلاوریهای خود نقش ارزنده ای در قیام ایفا کردند



در جریان قیام خونین خلق قهرمان ایران ، کارگران نقش برجسته ای داشتند . در این قیام صدها کارگر زخمی شدند . علیا استوارستم جنگیدند و به شهادت رسیدند . از آنجا که به نام و عکس همه آنها دسترسی نداشتیم ، اسامی و عکس چند تن از آنها را در این ویژه نامه منتشر می کنیم .
پادشان گرامی و خاطره شان جاودان باد

اکرم مردمان

رحمت الله روحانی

ابوالفضل شیخ زاده



عبدالله امام محمدی کارگر

علی صدر زاده

حسین سلکی

علی اکبر ذهابی

ظاهر بارانی



حشمت اله پیرانوند

ابوالقاسم علاءالدین

علی بوستانی

محمد دستان کارگر نفت

بهرام زندی

بقیه از صفحه اول

اول ماه مه روز همبستگی ...

اول ماه مه را بعنوان روز کارگر تثبیت کند و حتی بیشتر دولت ها نیز ناگزیر شدند آن را به رسمیت بشناسند .

در کشور ما ایران جشن اول ماه مه برای نخستین بار در سال ۱۲۹۹ - برگزار شد . در این سال به ابتکار " شورای مرکزی اتحادیه کارگران " که از پانزده اتحادیه تشکیل شده بود ، تظاهرات وسیعی در تهران و شهرستانها صورت گرفت . جنبش کارگری و سندیکائی ایران در این تظاهرات کاملاً آشکار شد .

در دوران خفقان و دیکتاتوری سیاه رضا خان قلدر ، کارگران ایران جشن روز کارگر را غالباً بطور مخفی برگزار می کردند . اما از سال ۱۳۲۰ به بعد که مبارزات کارگری در ایران ابعاد گسترده تری پیدا کرده بود ، مراسم اول ماه مه هم بطور علنی برگزار می شد . در سال ۱۳۲۵ در تظاهرات اول ماه مه ۲۵۰ هزار نفر شرکت کردند و گوشه ای از قدرت طبقه کارگر را به نمایش گذاشتند . در همین سال دهها هزار نفر از کارگران نفت جنوب دست به اعتصابی عظیم و یکپارچه زدند . که یکی از خواستهای آن قبول تعطیل اول ماه مه بعنوان جشن کارگری بود . دولت تسلیم شد و این خواست را پذیرفت اما هرگز به تعهد عمل نکرد و تعطیل روز کارگر را به رسمیت نشناخت .

با کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به جنبش کارگری و سندیکائی ایران نیز ضربات سهمگینی وارد آمد . رهبری جنبش بخاطر خصلت دنباله روی

می برند ...

کارگر جهان جیت که ماجرا را برای ما نقل می کرد هنوز از درد پسا می نالد و در اثر این حادثه به بیماری " غش " مبتلا شده بود . او چیزهای زیادی از وحشیگریهای ما و موران حتی در بیمارستان تعریف می کرد . او می گفت : « بجای معالجه زخمی ها که در آستانه مرگ بودند از آنها بازجویی می کردند . برای یک " بوکه فشنگ " که من به عنوان مدرک همراه خودم برده بودم ، هفته ها از من بازجویی می کردند و در این مدت من ممنوع الملاقات بودم . پس از این واقعه چند روز کارخانه در اشغال نظامی ها بود و عده ای از کارگران فعال را اخراج کردند و چند نفر را که از سر بازی معاف شده بودند به سر بازی بردند . از جمله غلامعلی دوگر (موحدی مهر) راه منطقه بد آب و هوا فرستادند . »

از او سؤال کردیم اگر آن روز می دانستی که در تظاهرات پایت

وسایست های ضد کارگری و ضد انقلابی خود نتوانست از شکل و قدرت ج کارگری استفاده کند و جنبش به بیراهه کشیده شد . بار دیگر جشن روز کارگر نیز حالت مخفی و پراکنده پیدا کرد . کارگران مجبور بودند جشن خود بشکل مجلس عروسی و نظائر آن برگزار کنند تا پلیس متوجه نشود . از اواسط دهه ۴۰ به بعد ، سندیکاهای مترقی مانند سندیکای فک مکانیک و یافنده سوزنی ، این روز را با قاطعیت تمام جشن می گرفتند . د سالهای اختناق و سرکوب ، اعضا گروه کوهنوردی سندیکای فلز کار مکا به سرپرستی رفقای کارگر شهید ، اسکندر صادقی نژاد و جلیل اعرادی ، آ بلندی در شب اول ماه مه برفراز قله توچال می افروختند . آتشی که مظهر انتهاب و شور مبارزاتی کارگران دلیر ایران بود ، آتشی که در حقیقت انعکاس خشم فروخورده توده بود که از درون پیشاهنگ زبانه می کشید و انقلاب را میداد .

اکثریت کارگران ماکه در شرایط خفقان هیچگونه مکانی برای کس آگاهی طبقاتی و مبارزاتی در اختیار نداشته اند ، هنوز هم با مفهوم و روز اول ماه آشنا نیستند . این وظیفه کارگران مبارز و آگاه است که در هر روز اول ماه مه امسال ، در شرایطی که روز اول ماه مه برای نخستین بار پس از سرنگونی رژیم پهلوی بطور علنی و آزاد و غیرفرمایشی برگزار می شود بانمایش قدرت عظیمی که در همبستگی و اتحاد کارگران نهفته است مفه واقعی روز کارگر را آشکار کنند و با کارگران سراسر جهان برای سرنگون نظام ظالمانه سرمایه داری تجدید عهد کنند .

کارگران — سراسر جهان متحد شوید
کارگران و زحمتکشان ایران ، متحد شوید

را از دست می دهی در تظاهرات شرکت می کردی گفت : " البته هیچکس مانعی دانستیم که آنها ممکن است به ما حمله کنند . ما حداقل حق خودمان را می خواستیم و حتی شعار هم نمی دادیم " در برابر اصرار ما که می خواستیم بیشتر از مضمون این حرکت آگاه ، یکی از کارگران نسبتاً مسن که در جمع کارگران بود گفت : " مساله خیلی تر از این حرفها بود که شامی زیند . مساله دیزی آبگوشت بود . ما نداشتیم که بخوریم " .

سؤال کردیم که عکس العمل کارگران در مقابل اعدام انقلابی فک جنایتکار چه بود ؟

احساس می شد که هنوز هم کارگرا جرات نمی کنند حرف دلش را بی پرده بزنند . فقط یکی از آنها با کتافه گفت : " اگر هم کارگرا شیرین دادند در پیرون از کارخانه بود . "

مختصری از زندگی و مبارزه چندتن از شهدای کارگر سازمان ما

فدائی شهید یوسف زرکاری



یوسف در دیماه ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری به دنیا آمد. نه ساله بود که پدرش درگذشت و مجبور شد برای تامین مخارج خانواده از همان سالهای کودکی به کارگری بپردازد و در نتیجه تا کلاس یازدهم بیشتر درس نخواند. کار در کارخانه واقعبیت استعمار را به رفیق نشان داد. پس از اینکه جنبش نوین انقلابی علیه رژیم فاشیستی شاه در سال ۱۳۴۹ در جنگل سیاهکل توسط "چریکهای فدائی خلق" آغاز شد و تحولی کیفی در مبارزات خلق ما به وجود آمد، رفیق یوسف زرکاری راه درست مبارزه را انتخاب کرد و علیرغم کمی سن از اولین کسانی بود که به صف انقلاب مسلحانه ایران پیوست. رفیق پس از مدتی فعالیت در شهر یورماه ۱۳۵۰ در شرایط فاشیستی ایران، بوسیله سازمان منغورامنیت دستگیر شد. بعد از یکسال از زندان آزاد شد و با پیگیری و پشتکار زیاد توانست با سازمان "چریکهای فدائی خلق" تماس بگیرد. رفیق زرکاری پس از ارتباط با سازمان تجارب یکساله



رفیق جلیل انفرادی

صفائی فراهانی در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ عملیات تعرض در جنگلهای شمال را آغاز نمودند و در ستاخیز شکوهمند سیاهکل را به وجود آوردند. در این هنگام رفیق اسکندر صادقی نژاد در تهم شهر به فعالیت های انقلابی خود مشغول بود. سرانجام رفیق جلیل پس از اسارت در تاریخ ۲۷ اسفند ۴۹ پس از تحمل شکنجه های دژخیمان بدست مزدوران رژیم شاه اعدام گردید و نام خود را در سینه خلق جاودانه ساخت.

رفیق اسکندر صادقی نژاد به همراه رفقای سازمان به مبارزه خود در شهر ادامه داد تا اینکه در تاریخ سوم خرداد ۱۳۵۰ در یک درگیری با ماموران ساواک به شهادت رسید.

خاطره شان گرمی باد

رفیق جلیل سالها پیش از آنکه به صف انقلابیون مسلح بیبوند فعالیت خود را در کنار رفیق اسکندر صادقی نژاد در سندیکای فلزکار و مکانیک آغاز نمود. در اینجا بود که زندگی این دورفیق تا پایان زندگیش به هم بافته شد. جلیل و اسکندر مدتها دبیر سندیکای فلزکار و مکانیک بودند و کارگران عضو سندیکا هرگز خاطره کوششهای این دورفیق را در جهت احقاق حقوق خود فراموش نمی کنند. جلیل و اسکندر در دوران فعالیت سندیکائی همراه با سایر رفقای کارگران یک سازمان کوهنوردی به وجود آوردند. این سازمان کوهنوردی در سال ۱۳۴۳ پناهگاهی برفراز قلعه توجال ساخت و این یادگار کار دسته - جسی را پناهگاه کارگران نام نهادند که هم اکنون نیز پابرجاست.

اسکندر صادقی نژاد ابتدا و جلیل انفرادی در پی او در جرگه مبارزین وارد شدند که خود را برای اقدام مسلحانه بر علیه رژیم شاه جنایتکار آماده می ساختند. آنها بخاطر رهائی خلقی که آنهمه دوستان می داشتند و بخاطر رهائی طبقه کارگر در سازمان چریکهای فدائی خلق بدست گرفتند و آماده نبرد تاریخی شدند که واقعت ستم طبقاتی آنرا الزامی می ساخت.

رفیق جلیل انفرادی به همراه سایر رفقای مبارز، تحت رهبری علی اکبر

فدائی شهید جعفر اردبیلچی



بار توده زحمتکش آشنا شد، و در یک آهنگری به عنوان کارگر مشغول به کار شد و بعدها به عضویت سازمان چریکهای فدائی خلق درآمد.

رفیق جعفر در بهمن ماه ۱۳۴۹ همراه رفیق منافع فلکی و چندتن از رفقای هم رزمش در اولین عملیات مسلحانه که به کلانتری ۵ تبریز بود شرکت کرد. رفیق جعفر در سال ۱۳۵۰ دستگیر و پس از شکنجه وحشیانه مزدوران رژیم در ۲۲ اسفند همان سال به همراه ۸ تن از دیگر رفقای فدائی به دست دژخیمان رژیم تیر باران شد.

گرمی باد خاطره پرشور رفیق

فدائی شهید اصغر عربهریسی



اصغر در یک خانواده کارگری متولد شد. او تا دوره اول متوسطه درس خواند ولی وضع بد مالی خانواده اجازه ادامه تحصیل را به او نداد و ناچار به کارگری در کارگاه آهنگری مشغول شد. آشنائی با رفقا صمد بهرنگی و علیرضا ناسابدل در ارتقا سطح آگاهی سیاسی او موثر بود. او در ارتباط با همعین رفقا بعدها به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست. او در عملیات مسلحانه به کلانتری ۵ تبریز در سال ۴۹ شرکت داشت.

در بهار سال ۱۳۵۰ دستگیر شد و حشتناکترین شکنجه ها را با متانت بی نظیری تحمل کرد و سخن نگفت. در

"یادش گرمی باد"

فدائی شهید حسن نوروزی



رفیق حسن نوروزی در سال ۱۳۲۵ در یک خانواده کارگری در شهر تهران متولد شد. پدرش از کارکنان راه آهن و یکی از فعالین جنبش کارگری و عضو حزب توده بود که در اوایل سالهای ۳۰ بعثت درک فرصت طلبی و بی لیاقتی رهبران حزب توده از آن کناره گیری کرده بود. بدین ترتیب رفیق نوروزی در یک خانواده سیاسی و آگاه رشد کرد.

زندگی رفیق نوروزی از همان دوران نوجوانی با کارگری و سرگردانی سیری شد. او پس از چند سال کار در شهرهای جنوب مانند بوشهر، کرمان و شیراز، به تهران آمد و در کارخانجات شاه پیوسته مشغول بکار شد و به این ترتیب کار در کارخانجات نجات بزرگ تجربه کرد. او یکسال تمام به عنوان کارگر شب کار از نیمه شب تا صبح در این کارخانه کار کرد. مدتی بعد رفیق نوروزی در کارخانجات راه آهن دولتی استخدام شد.

در این زمان بود که رفیق نوروزی با گروه سیاسی رفیق احمدزاده ارتباط برقرار کرد و به

فدائی شهید ایرج سپهری



رفیق ایرج سپهری در سال ۱۳۲۷ در شهر بابل متولد شد. از سن جوانی برخلاف تمایلات و معیارهای خانوادگیش به کارگری پرداخت. او در این شرایط و محیط کارگانه، گردآوری و آیدیه شد. او هرگز کارگری مطیع و سرسبز نبود.

رفیق ایرج سپهری در جریان مبارزه به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست و از این طریق با برادرانش که در صفوف مقدم مبارزه بودند، دوباره پیوند خورد. در بهائیز سال ۵۰ ایرج سپهری از جانب سازمان امنیت منغورشاه دستگیر شد و مدتی به زندان افتاد.

خودش می گفت: "زندانی برای من آموزشگاه بزرگی بود". پس از آزادی متأسفانه ارتباط او با سازمان چریکهای فدائی خلق قطع شده بود. او هرچه تلاش کرد نتوانست این ارتباط را دوباره برقرار سازد. بدین جهت تصمیم گرفت که به فلسطین برود. او زن و دو فرزندش را که بسیار هم دوستانه می داشت ترک

خود را در زندان در جزوه ای تنظیم کرد که تحت عنوان "خاطرات یک چریک در زندان" منتشر شد. یوسف زرکاری در تاریخ ۱۷ دیماه ۱۳۵۲ در درگیری با ماموران سازمان امنیت در اصفهان شهید شد. او هنگام شهادت ۴۱ ساله بود.

با ایمان به پیروزی راه او

فدائی شهید حسن نوروزی



عضویت این گروه درآمد. رفیق نوروزی در سال ۱۳۵۰ در مرکزیت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قرار گرفت و ثابت نمود که کارگران ایران بخوبی قادر هستند در رهبری مبارزات خلق شرکت جسته و موثرترین نقشه ها را در سازماندهی برعهده گیرند.

در تاریخ ۱۹ دیماه ۵۲ رفیق حسن نوروزی در یک درگیری مسلحانه در منطقه لریستان بدست مزدوران رژیم سرسپرده شاه به شهادت رسید.

جاودانه باد خاطره رفیق

این عید ماست، بیا خیزید

- این است، عید ماست، عید ماست
- عید رنج و تلاش.
- عید دست های پیینه بسته و فولاد
- عید مشت برافراشته دودکش های کارخانه
- عید فریاد.
- عید خروش
- عید خشم
- عید سروش.
- عید پتک
- عید سندان
- عید کارگران سرتاسر جهان
- این عید ماست، به پا خیزید
- تا زمین در زیر ضربات گام های مابه لریزه درآید
- بها خیزید
- تا با توان بازوان پولادین خویش
- زمین را در مدار دیگری به گردش اندازیم
- در مدار کار و شرف
- این عید ماست
- بها خیزید
- تا صف کار را
- در میدانی به وسعت فریاد
- بسپح کنیم
- تا رنجک مشت های گره کرده خود را
- در فضای دودزده کارخانه
- منفجر کنیم
- و حنجره رنج را بر فراز دودکش ها بنشانیم
- واژ آنجا سرود رنجبران را بخوانیم
- که: اینک مائیم
- فرزندان کار و شرف
- پیروزی از آن ماست.
- بها خیزید
- ایقانیوس خلقهای جهان در تلاطم و غوغاست
- به پا خیزید تا سرود کار را سردهیم
- که سرود فتح ماست
- سرود فتح شرافت و انسان
- سرود ایمان
- ایمان به توان دست های پولادین رنجبران

بخدمت!

این عید ماست

بخدمت!

خورشید فتح، در افق پیداست.

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

بخدمت!

اول ماه مه را هر چه باشکوهتر برگزار کنیم